

چالش‌های حقوقی و اقتصادی طرح اینستکس

مهری برزگر^۱

استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

چکیده

اینستکس، سازوکاری است که از سوی سه کشور اروپایی برای حفظ برجام و ایفای تعهدات این کشورها معرفی شد؛ هرچند در عمل ناکارآمد باقی ماند. این پژوهش، با استناد به روش تحلیلی-تفسیری، چالش‌های حقوقی و اقتصادی اینستکس را بررسی می‌کند. در این راستا، مهم‌ترین چالش حقوقی عبارت است از عدم تطابق مقررات ایران با توصیه‌های فتف و قرار داشتن در فهرست سیاه و تکلیف کشورهای اروپایی به انجام اقدامات متقابل در مورد کشورهای پُرخطر مطابق توصیه ۱۹. چالش‌های حقوقی احتمالی دیگر ناظر به عدم انطباق با مقررات سازمان تجارت جهانی، با توجه به مبتنی بر تهاوت بودن و نیز مغایرت با مقررات دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (اوفاک) است. چالش‌های اقتصادی نیز در دو سطح خُرد و کلان قابل بررسی‌اند. عدم هماهنگی با روحیات تاجران، اطلاع‌رسانی ناکافی و مشکلات ناشی از واحد پرداخت، عدم توازن میان واردات و صادرات، عدم پیش‌بینی تجارت نفت و احتمال تحریم ثانویه از سوی آمریکا، مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی هستند. طرح‌های مشابه اینستکس برای مقابله با تحریم‌ها همانند ارزش‌های دیجیتال، برنامه نفت در برابر غذا و ایجاد دفتر کنترل دارایی‌های خارجی در اتحادیه اروپا نیز هر یک ایرادهایی دارند؛ به طوری که در نهایت می‌توان گفت بزرگ‌ترین چالش اینستکس، چالش سیاسی و خطر تحریم‌های ثانویه آمریکا است.

کلیدواژه‌ها: اینستکس، توصیه‌های فتف، تجارت در زمان تحریم، تهاوت.

طبقه‌بندی JEL : F49

*- نوع مقاله: پژوهشی

1- m.barzegar@basu.ac.ir

DOI: 10.22067/LOWECON.2022.70831.1052

مقدمه

وضعیت فعلی ایران با توجه به مشکلات اقتصادی، چالش‌های سیاسی و حقوقی بین‌المللی، مشکلات مربوط به تحریم‌ها و بحث صادرات نفت، تورم و گرانی، نارضایتی مردم، افزایش تنش‌ها با ایالات متحده آمریکا که در برهه‌ای حتی زمزمه‌های آشکار امکان بروز جنگ میان ایران و ایالات متحده آمریکا به گوش می‌رسیدند، همه‌گیری کرونا و آثار منفی آن بر رشد اقتصادی و بحران سلامت در ایران، همگی دلالت بر این امر دارند که ایران یکی از حساس‌ترین و سخت‌ترین دوران‌های خود را می‌گذراند؛ از این رو، اندیشیدن راهکاری مناسب برای بهبود وضعیت فعلی، به‌ویژه در بُعد اقتصادی از مهم‌ترین اولویت‌های برنامه‌ریزی و اجرایی است. توضیح آنکه، با خروج دولت ایالات متحده آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ در هجدهم اردیبهشت ۱۳۹۷ و در پی آن، بازگرداندن تحریم‌ها و نیز اعمال تحریم‌های نو علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران، اوضاع اقتصادی و چشم‌اندازهای ایران دستخوش تحول شد. به دنبال سقوط ارزش ریال در مقابل دلار، ایجاد محدودیت در واردات کالا به ایران و مشکلات در مورد فروش نفت ایران و حتی دریافت بهای نفت فروخته شده، مشکلات اقتصادی در ایران به بالاترین حد رسید. در این میان، طرفین دیگر توافق‌نامه برجام، از جمله سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان، موظف بودند تعهدات خود را که به موجب برجام پذیرفته بودند، اجرا کنند. مهم‌ترین این تعهدات در ماده ۱۹ این توافق‌نامه مقرر شده و شامل مواردی مانند نقل و انتقالات مالی بین اشخاص و نهادهای اروپایی، از جمله مؤسسات مالی و اشخاص و نهادهای ایرانی از جمله مؤسسات مالی (بند الف)، فعالیت‌های بانکی (بند ب)، ارائه خدمات پیام‌رسانی مالی از جمله سویفت (بند د)، حمایت مالی از تجارت با ایران (بند ه)، واردات و حمل نفت، فرآورده‌های نفتی، گاز و فرآورده‌های پتروشیمی ایرانی (بند ح) و بسیاری موارد دیگر می‌شود. به منظور اجرای این تعهدات و زنده نگاه داشتن برجام، کشورهای اروپایی در پی راهکاری برای اجرای برجام و اجتناب از آثار سیاست‌های جدید دولت ایالات متحده آمریکا برآمدند.

نخستین واکنش اتحادیه اروپا، احیا و اصلاح قانون انسداد^۱ مصوب ۱۹۹۶ میلادی بود که به موجب آن، پیروی از تحریم‌های خاص فراسرزمینی^۲ ایالات متحده برای شرکت‌های عضو اتحادیه اروپا غیرقانونی اعلام شد. به علاوه، شرکت‌های تابع اتحادیه را قادر به طرح دعوا در هریک از کشورهای عضو این اتحادیه می‌نمود که به منظور مطالبه خسارات، از جمله هزینه‌های وکلا، که در اثر پیروی از تحریم‌های خاص ایجاد شده‌اند. با این حال، به نظر می‌رسید، در عمل شرکت‌های اروپایی، میان نقض تحریم‌های آمریکا و قانون انسداد، نقض مورد دوم را ترجیح می‌دهند. خروج شرکت توتال فرانسوی و زیمنس آلمانی، گواهی بر این امر بود. شاید یکی از دلایل آن، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب در صورت نقض قانون انسداد بود. دومین واکنش، تلاش برای ایجاد سازوکار مالی مستقل از دلار و سویفت^۳ بود. این سازوکار،

۱- EU Blocking Statute: این قانون در ابتدا برای مقابله با تحریم‌های علیه کوبا، لیبی و ایران وضع شد که البته در آن زمان، مسأله تحریم‌ها بیشتر با روش‌های سیاسی حل و فصل گردید تا حقوقی. مطابق این مقرر در هر جایی که کشور ثالثی قانون یا مقرره‌ای وضع کرده که هدف آن به نظم در آوردن اقدامات اشخاص حقیقی و حقوقی در سرزمین تحت صلاحیت یکی از اعضای اتحادیه اروپاست و اجرای آن‌ها نقض حقوق بین‌الملل است... این قانون حمایت خود را جاری می‌کند. برقراری شرط اخیر، به معنای عدم شمول حمایت این قانون در خصوص تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل است. برای مطالعه در خصوص محدودیت‌های این مقرر: (see: Political-Legal Research Deputy, 2018)

۲- در مقابل تحریم‌های اولیه، که شرکت‌های تابع کشوری خاص را از تجارت با کشور یا شرکت تحریم‌شده منع می‌کنند، تحریم‌های ثانویه یا فراسرزمینی، شرکت‌ها، بانک‌ها، مؤسسات مالی و... را از معامله با شرکت‌های کشورهای ثالثی که با کشور یا شرکت‌های تحریم‌شده مراد دارند نیز منع می‌کنند. این امر به آمریکا اجازه اعمال تحریم‌ها بر شرکت‌هایی را که تحت صلاحیت قضایی‌اش نیستند، نیز می‌دهد. (see: Rynaert, 2015: 119)

۳- SWIFT: یک شرکت بلژیکی که نظام پیام‌رسانی مهیا می‌کند که بیش از یازده هزار بانک را در دنیا با یکدیگر مرتبط و اجازه انتقال جهانی پول را می‌دهد. این نهاد نیز اخیراً از سوی آمریکا، تهدید به تحریم و در نهایت با بی‌میلی، ناچار به قطع مرادوات با بانک‌های ایرانی تحریم‌شده، گشت. با این حال، این شرکت خاطرنشان کرد گرچه در سال ۲۰۱۲ از تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران پیروی کرد، علت این بود که تحت صلاحیت قضایی اتحادیه اروپا قرار دارد، ولی پیروی از تحریم‌های ۲۰۱۸ آمریکا «تأسف‌بار» است (see: Zare & Esma'ili etoyi, 2013: 231). این نکته از این نظر حائز اهمیت است که طرفین برجام به موجب بند د ماده ۱۹ برجام، موظف به ارائه خدمات پیام‌رسانی مالی از جمله سویفت برای افراد و اشخاص حقوقی نامبرده در الحاقیه ۱ پیوست ۲ شامل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات مالی ایرانی بودند.

اینستکس^۱ نامیده شد و به موجب آن، شرکتی با همین نام با همکاری سه کشور فرانسه، آلمان و بریتانیا (E3) تشکیل شد. اینستکس مکانیزمی فراهم می‌کند که اجازه مبادله کشورهای دیگر با ایران را در غیاب سوئیفت یا سایر سیستم‌های معمول پرداخت که همگی مشمول تحریم‌های آمریکا هستند، می‌دهد. شیوه کار به این صورت است که دفتر کلی در ایران/تهران و نیز در فرانسه/پاریس وجود خواهد داشت. زمانی که سفارشی از ایران (به‌عنوان مثال برای دارو) ثبت می‌شود، اینستکس آن را در دفتر کل مبادلات ثبت و سپس دفتر را بررسی می‌کند که آیا سفارش خریدی از سوی تاجر ایرانی (به‌عنوان نمونه برای پسته) ثبت شده است. پس از آن پرداخت از سوی واردکننده اروپایی پسته به صادرکننده اروپایی دارو را تأیید می‌کند؛ به عبارت دیگر، پرداخت از یک بانک اروپایی به بانک اروپایی دیگر بدون استفاده از وجوهی که در ایران وجود دارد، صورت می‌گیرد. ایران نیز همین فرایند را بدون جابجایی پول انجام می‌دهد. در فاز نخست بهره‌برداری، تجارت از سوی اروپا، فقط شامل دارو، ابزار پزشکی و مواد غذایی خواهد شد و از سوی ایران، نفت و فرآورده‌های پتروشیمی را دربرنمی‌گیرد. ولی طرفین اروپایی پیشنهاد داده‌اند که امکان گسترش آن وجود دارد.

با وجود گذشت زمان طولانی از اعلام موجودیت اینستکس و ایجاد شرکت متناظر اینستکس در ایران به نام «سازوکار ویژه تجارت و تأمین مالی ایران و اروپا» (ساتما) در دوم اردیبهشت ۱۳۹۸، ابتدا اخبار متناقضی در مورد راه‌اندازی این کانال مالی شنیده می‌شد؛ به گونه‌ای که از یک سو، گفته شد که نخستین تراکنش‌ها در اینستکس انجام شده‌اند و کشورهای بیشتری برای پیوستن به آن ابراز تمایل کرده‌اند و از سوی دیگر، هیچ اطلاعات بیشتری در مورد تراکنش‌های انجام شده در اینستکس در دست نیست، به طوری که حتی پس از برکناری پرفیشر^۲ و استعفای برنر اربل^۳ اندکی پس از قبول سمت، سرانجام میثاییل بوک^۴ ریاست این نهاد را بر عهده گرفت. با شروع همه‌گیری بیماری کرونا، ادعا شد که نخستین تراکنش‌های مالی توسط این کانال انجام شده‌اند. به

1- Instrument in Support of Trade Exchanges (سازوکار حمایت از تبادل معاملات)

2- Per Fischer

3- Bernd Erbel

4- Michael Bock

نظر می‌رسید عمده تراکنش‌ها برای تجارت بشردوستانه از طریق کانال معروف به سوئیس صورت گرفته‌اند. وانگهی، با توجه به عدم شمول دارو و ابزار پزشکی در تحریم‌های ثانویه، امکان انجام این مبادلات با ایران توسط هر کشوری وجود دارد.

با توجه به بی‌سابقه بودن مبادلاتی از نوع اینستکس در دنیای امروز و پرسش‌های فراوان در خصوص کارآمدی آن، پژوهش پیش‌رو به مهم‌ترین چالش‌های این نهاد از دیدگاه حقوقی، اقتصادی و عملی که شاید منجر به عدم توفیق آن در عمل شده‌اند، می‌پردازد و برخی سازوکارهای مشابه یا جایگزین این طرح را نیز به صورت موردی بررسی می‌کند. بدین ترتیب، مقاله حاضر می‌کوشد که در بخش نخست، چالش‌های حقوقی اینستکس (۱) را با تمرکز بر توصیه‌های ففت و سایر چالش‌های حقوقی بررسی نماید و سپس در بخش بعدی چالش‌های اقتصادی اینستکس (۲) را از منظر اقتصاد خرد و کلان ارزیابی نماید. همچنین، در بخش سوم، طرح‌های جایگزین یا مشابه اینستکس (۳) تبیین خواهند شد و سرانجام، پژوهش با دیدگاهی آینده‌نگرانه به نتیجه‌گیری در خصوص این سازوکار خواهد پرداخت.

۱. چالش‌های حقوقی اینستکس

نهاد اینستکس به گونه‌ای باز معرفتی نظام تهاتر^۱ و یا معاوضه^۲ و به معنای مبادله بدون استفاده از پول نقد است که کهن‌ترین شیوه مبادلاتی بشر را تشکیل می‌دهد. کاربرد تهاتر در دنیای امروزی مبادلات، تا حدودی نامعمول و عجیب می‌نماید. با این حال، برخی کشورها در دوران معاصر به دلایل گوناگون با موفقیت آن را به کار گرفته‌اند. به عنوان مثال، در آلمان به دنبال بی‌ثباتی اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از معاملات به جای پول نقد با برخی اقلام رایج مانند کره، قهوه، شکر، آرد و حتی سیگار صورت می‌گرفت (Bignon, 2009: 3). بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر نیز با الهام از این سیستم، به منظور و تا زمان بهبود وضعیت اقتصادی خود، از شیوه تهاتر استفاده کرده‌اند.

پرواضح است که تهاتر، مطلوب‌ترین شکل تجارت بین‌المللی نیست و با سیستم‌های تجاری باز

1- Barter

۲-Swap: این واژه در ماده ۴۶۴ قانون مدنی نیز ذکر و تعریف شده است.

مبتنی بر پول و چندجانبه که موافقتنامه‌های عمومی راجع به تعرفه و تجارت (گات)^۱ و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ سعی در حفظ و ترویج آن‌ها دارند هماهنگی ندارد. با این وصف، برخی کشورها به دلایل زیادی به آن متوسل می‌شوند؛ از جمله کشورهای فاقد ارز قوی و تسهیلات اعتباری برای پرداخت‌های وارداتی خود به صورت پولی هستند، برخی کشورها مایلند بازارهای صادراتی خود را با تقاضای چنین تسهیلاتی توسعه بخشند. کشورهای صادرکننده نفت نیز خواهان استقرار و تثبیت بازار هستند و می‌خواهند در قبال مرادوات صنعتی و سایر محصولات موردنیاز خود، از نفت به عنوان عوض غیرنقدی استفاده کنند (Schmitthoff, 2015:244).

با وجود سابقه مبادلات تهاتری در دوران معاصر در جهان، می‌توان ادعا نمود که هیچ‌یک از طرح‌های مبادلاتی دیگر، همانند اینستکس گسترده نبوده‌اند. شاید دلیل این امر آن باشد که هرگز کشوری در این سطح مورد تحریم‌های ثانویه قرار نگرفته است. این طرح به عنوان یک سازوکار دارای هدف خاص^۳ معرفی شده است؛ بنابراین دارای ماهیتی موقت است که ممکن است با تغییر شرایط، کارایی خود را نیز از دست بدهد. با این حال، حتی کارآمد بودن موقت نیز، نیازمند همخوانی با قواعد حقوقی است.

۱-۱. اینستکس و توصیه‌های فتنف

فتنف^۴ یا گروه ویژه اقدام مالی، نهادی بین دولتی است که هدف بسط و گسترش سیاست‌های ملی و بین‌المللی برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را دنبال می‌کند (Chatain et.al., 2013: 14). این گروه از بدو تأسیس تا کنون بارها به اصلاح توصیه‌های خود پرداخته است؛ به طوری که آخرین نسخه آن در ژوئن ۲۰۱۹ شامل ۴۰ توصیه عادی و ۹ توصیه ویژه برای مقابله با پولشویی تأمین مالی تروریسم است و در سال ۲۰۲۰، اصلاحات پیشنهادی در مورد ارزیابی خطرات تأمین مالی تکثیر و به کارگیری اقدامات ریسک‌مدار نیز به رایزنی گذاشته شد که هنوز

1- General Agreement on Tariffs and Trade

2- Organisation for Economic Cooperation Development

3- SPV: Special Purpose Vehicle

4- FATF: Financial Action Task Force

قطعی نشده است.^۱

در وضع کنونی ۳۷ کشور جهان که مهم‌ترین مراکز مالی جهان در آن‌ها قرار دارند، عضو فتف هستند.^۲ برخی صاحب‌نظران فتف را شاخه مبارزه با پولشویی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی دانسته‌اند (Abbasi, 2019: 703). این نهاد تمامی کشورهای جهان را به قبول و اجرای توصیه‌های چهل‌گانه تشویق می‌کند و در این راستا، از سال ۲۰۰۱ اقدام به شناسایی کشورهای سیاه به‌عنوان مانع برای همکاری بین‌المللی در این زمینه عمل می‌نمایند، کرده و آن‌ها را در لیست سیاه خود قرار می‌دهد (Abbasi, 2007: 152). در سال ۲۰۱۲، نام ایران در فهرست سیاه قرار گرفت. پس از آن تا سال ۲۰۱۶، همواره نام ایران به همراه کره شمالی در فهرست سیاه فتف قرار داشت و از کشورهای عضو خواسته می‌شد تدابیر متقابل را در مورد این کشورهای اعمال کنند.^۳ در سال ۲۰۱۶ ایران موافقت کرد که برنامه دهگانه‌ای برای تطابق با استانداردهای فتف تا ژانویه ۲۰۱۸ پیاده‌سازی کند. در این مدت، ایران در فهرست سیاه باقی ماند، اما فتف موافقت نمود که اقدامات متقابل الزامی را معلق کند. مهم‌ترین اجزای این برنامه دهگانه عبارت بودند از جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، تعیین مجازات برای جرائم پولشویی و ساخت واحد مالی کاملاً مستقل به‌منظور نظارت بر فعالیت مالی مشکوک (Lincy & Mostatabi, 2018: 4). پس از آن، فتف بارها به تمدید تعلیق اقدامات متقابل ادامه داد تا اینکه در فوریه ۲۰۲۰ تعلیق این اقدامات برداشته شد و ایران مجدداً در فهرست سیاه قرار گرفت. صرف‌نظر از بحث‌ها و اختلافات سیاسی مطرح پیرامون نهاد فتف، یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف میان ایران و طرفین اروپایی، لزوم یا عدم لزوم اجرا کردن توصیه‌های فتف به‌عنوان پیش‌شرط راه‌اندازی اینستکس است. برای اظهار نظر دقیق در این

۱- پیشنهاد این اصلاحات، اندکی پس از پایان مهلت مقرر در قطعنامه ۲۲۳۱ علیه ایران، کاملاً جنبه سیاسی دارد. برای مشاهده متن کامل اصلاحات پیشنهادی، ر.ک:

<http://www.fatf-gafi.org/publications/financingofproliferation/documents/consultation-recommendation-1.html>

۲- علاوه بر کشورها، سازمان‌هایی مانند کمیسیون اروپا و شورای همکاری خلیج فارس نیز عضو فتف هستند و با احتساب اندونزی به‌عنوان عضو ناظر، فتف مجموعاً ۳۹ عضو دارد. برای مشاهده فهرست کامل اعضا ر.ک:

<https://www.fatf-gafi.org/about/membersandobservers/>
3- https://en.wikipedia.org/wiki/FATF_blacklist

مورد، بهتر است برخی از این توصیه‌ها را که با بحث مرتبط هستند، بررسی کنیم. توصیه ۱۹ به کشورهای پُرخطر اختصاص داده شده است.^۱ همچنین یادداشت تفسیری این توصیه، نمونه‌های اقدامات متقابلی را که ممکن است توسط کشورها اعمال شوند تبیین نموده است. مطابق یادداشت تفسیری ث-۲-۱۹ یکی از الزامات کشورها عبارت است از: «الزام مؤسسات مالی به بازبینی و اصلاح یا در صورت لزوم پایان دادن به روابط متقابل با مؤسسات مالی در کشور مورد نظر».

مطابق یادداشت تفسیری توصیه شماره ۱۰، برخی از عوامل می‌توانند امکان خطر در معاملات را افزایش دهند و از جمله این عوامل، عوامل جغرافیایی یا وابسته به کشور خاص هستند؛ برای مثال، کشورهایی که موضوع تحریم‌ها یا سایر راهبردها توسط نهادی مانند سازمان ملل قرار گرفته‌اند، دارای خطر بالاتری هستند. همچنین در یادداشت تفسیری شماره ۱۱ نیز به ایران و قطعنامه ۲۲۳۱ سال ۲۰۱۵ علیه آن پرداخته شده است؛ بنابراین، چنانچه کشوری از سوی فترف پُرخطر شناخته شود، بسیاری از کشورهای عضو و مؤسسات مالی آن‌ها ملزم به انجام یک سری اقدامات در مورد آن کشور و مؤسسات مالی وابسته به آن می‌شوند که شانس همکاری‌های تجاری را کاهش می‌دهد.

همچنین، مطابق بخشی از بیانیه مشترک سه کشور اروپایی در مورد اینستکس صادرشده در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹، اینستکس از تجارت قانونی اروپایی یا ایران حمایت خواهد کرد و در ابتدا بر بخش‌های اساسی تر برای مردم ایران، مانند دارو، ابزار پزشکی و کالاهای کشاورزی متمرکز خواهد شد.^۲ تردیدی نیست که طرفین اروپایی هرگز از معاملات مشکوک، چه در قالب اینستکس

۱- این توصیه مقرر می‌دارد: «مؤسسات مالی باید ملزم شوند در روابط کاری و معامله با اشخاص حقیقی و حقوقی و مؤسسات مالی کشورهایی که توسط گروه ویژه مشخص شده‌اند، تدابیر مربوط به شناسایی کافی مشتریان را به نحو شدیدتری اعمال کنند. تدابیر مذکور، باید مؤثر و متناسب با ریسک‌های موجود باشند. در صورت درخواست گروه ویژه، کشورها باید بتوانند اقدامات متقابل متناسبی را به اجرا گذارند. همچنین، کشورها باید بتوانند جدا از هر گونه درخواست گروه ویژه، اقدامات متقابل را به عمل آورند. این گونه اقدامات باید مؤثر و متناسب با ریسک‌های موجود باشند.» (see: Zare Ghajari & Ghaem

Maghami:2013:36)

2- <https://www.diplomatie.gouv.fr/en/country-files/iran/events/article/joint-statement-on-the-creation-of-instex-the-special-purpose-vehicle-aimed-at>

یا در قالبی دیگر حمایت نخواهند کرد. ضمن اینکه با توجه به عضویت هر سه کشور در فتف، در صورتی که ایران از فهرست سیاه خارج نشود، این کشورها ملزم به پیروی از توصیه‌های فتف خواهند بود. با این حال، به نظر می‌رسد راه‌اندازی اینستکس و فتف ارتباطی با یکدیگر ندارند و در سند برجام نیز اجرای تعهدات طرفین اروپایی به شرطی مشروط نشده است و از این نظر، در صورت عدم اجرای توصیه‌های فتف نیز، اینستکس می‌تواند به وجود بیاید و شروع به کار کند؛ اما استمرار تجارت از این طریق و گسترش آن، که از چشم‌اندازهای مهم این نهاد است، نیازمند خروج ایران از فهرست سیاه خواهد بود.

توضیح آنکه، اروپایی‌ها هیچ بانکی را برای همکاری با اینستکس معرفی نکردند. مسلماً این امر، تعلل در اجرای تعهدات برجامی است. این کوتاهی، با توجه به خطرهایی که ممکن است متوجه بانک شود و سابقه جریمه‌های سنگین علیه بانک‌هایی که با ایران کار می‌کرده‌اند، قابل درک است. چنین بانکی باید علاوه بر ترس از اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه خود، نگران عدم اجرای توصیه‌های فتف در صورت عدم خروج ایران از فهرست سیاه نیز باشد.

۲-۱. سایر چالش‌های احتمالی حقوقی

باید اذعان نمود که مهم‌ترین چالش حقوقی پیش‌روی اینستکس، شامل نبود شفافیت مالی و عدم مطابقت با توصیه‌های فتف و ترس از امکان پولشویی یا تأمین مالی تروریسم می‌شوند. به‌عنوان نخستین مورد، می‌توان به احتمال تعارض اینستکس با مقررات سازمان تجارت جهانی اشاره کرد. سازمان تجارت جهانی، سازمانی بین‌المللی است که قواعد و مقررات تجارت خارجی کشورهای مختلف را تنظیم می‌کند و جانشین توافقنامه کلی تعرفه‌ها و تجارت (گات) شده که در حال حاضر دیگر به صورت سازمان بین‌المللی وجود ندارد، ولی به‌عنوان یک موافقتنامه (گات ۱۹۹۴) به حیات خود ادامه می‌دهد (Nikbakht, 2003:68). تشکیل این سازمان، تصدیق‌کننده پدیده جهانی شدن و به‌هم‌پیوستگی عمیق اقتصادهای ملی است. این سازمان با تکیه بر اصول بنیادین خودمختاری دولت‌ها، آزادسازی تجاری، رفتار منصفانه با سرمایه‌گذاران خارجی، عدم تبعیض، شرایط مساعد برای کشورهای کمتر توسعه یافته، توسعه پایدار و احترام به حقوق بشر (Herdegen, 2018: 129-142) اهدافی همچون بهبود استاندارد زندگی مردم در کشورهای عضو، حصول اطمینان از وضعیت اشتغال، افزایش تولید و مبادله کالا و خدمات، حصول اطمینان

از به کارگیری منابع جهانی، حمایت از محیط‌زیست، پذیرش مفهوم توسعه پایدار را دنبال می‌کند (Koul, 2016: 40).

با توجه به اتکای اینستکس به نظام ابتدایی مبادلاتی تهاتر، بدیهی است که این نهاد با رویه‌های غالب تجارت بین‌الملل که از سوی سازمان تجارت جهانی ترویج می‌شوند، هماهنگی چندانی ندارد. پرسش آن است که آیا می‌توان نهادی اینستکس را با مقررات سازمان تجارت جهانی ناهماهنگ دانست؟ در پاسخ به چند نکته باید توجه داشت: نخست اینکه، ایران در حال حاضر عضو ناظر این سازمان شناخته می‌شود و هنوز فاقد بسیاری از زیرساخت‌های لازم مهم‌تر قانونی برای عضویت کامل در این سازمان می‌باشد؛ بنابراین، در این بحث، بیشتر کشورهای دارای عضویت کامل در سازمان تجارت جهانی، باید نگران نقض تعهدات خود در این سازمان باشند. در این راستا، اینستکس که برای تجارت‌های موردی و موقتی با اروپا به منظور مقابله با تحریم‌ها ایجاد شده، تناقضی با سیاست‌ها و اصول کلی سازمان تجارت جهانی ندارد. چنانکه سه کشور اروپایی که همگی عضو سازمان تجارت جهانی هستند، خود بانی این طرح بوده‌اند.

دوم، بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند که اعمال تحریم‌ها و به‌ویژه تحریم‌های ثانویه آمریکا با قوانین و قواعد بین‌المللی معارض بوده (see: Fahsandi & Ghaderi, 2017:149-157) و تهدیدی علیه نظام مبادلاتی بین‌المللی محسوب می‌شود. با نگاهی به اصول بنیادین و اهداف این سازمان، مشاهده می‌شود که تحریم‌ها با حق کشورها بر توسعه پایدار، شرایط مساعد برای کشورهای کمتر توسعه یافته و احترام به حقوق بشر معارض‌اند و به تحقق هیچ‌یک از اهداف این سازمان کمکی نخواهند کرد. گرچه ایالات متحده آمریکا تلاش نموده با صدور مجوزها و استثنا کردن کالاهای بشردوستانه از تحریم‌ها از انتقادهای بین‌المللی علیه خود بکاهد، اما در عمل حتی واردات کالاهای بشردوستانه به ایران، به‌خصوص از سوی شرکت‌های خصوصی با مشکلاتی مواجه شده که عدم دسترسی ایران به شبکه سوئیفت بر این مشکلات می‌افزاید.

سوم، مطابق قوانین حاکم بر تجارت بین‌الملل و سازمان تجارت جهانی، موارد اعمال تحریم اقتصادی بسیار محدود و نادرند (Mohammad Zadeh, 2021:110). در واقع، این تحریم‌ها هستند که با تعهدات دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی، مبنی بر نظام تجارت آزاد تعارض دارند و نه حق یک کشور برای یافتن راهی مشروع برای اجتناب از آن‌ها. در صورتی که ایران به عضویت کامل این سازمان درآید می‌تواند به مراجع حل اختلاف برای مقابله با تحریم‌ها مراجعه و طرح

دعوا نماید. گرچه این امر، راه‌حل سریعی برای حل مشکلات تحریم در ایران نیست، می‌تواند در کنار دلایل دیگر، انگیزشی برای تدارک عضویت کامل ایران در این سازمان باشد، به‌ویژه آنکه اصول تجارت در نظام حقوق تجارت اسلام، به‌قدری شبیه نظام‌های رومی-ژرمنی و کامن‌لاو است که حتی برخی محققان ریشه تاریخی این نظام‌ها را در نظام حقوق تجارت اسلام دانسته‌اند (see: El-Camal, 2006: 15-16؛ بنابراین، چالش اساسی برای پیوستن ایران به این سازمان وجود ندارد.

پس از بحث در مورد احتمال تعارض حقوقی با مقررات سازمان تجارت جهانی، تعارض بعدی و شاید مهم‌تر امکان مخالفت اینستکس با مقررات دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی (اوفاک)^۱ است. این سازمان، واحد اطلاعات مالی و نهاد اجرایی اداره خزانهداری دولت آمریکا است که بر اساس اهداف و سیاست‌های خارجی ایالات متحده علیه دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد غیرآمریکایی اعمال تحریم می‌کند. با توجه به غیربشردوستانه و غیرحقوقی بودن تحریم‌های آمریکا علیه ایران، مسلماً این چالش را نمی‌توان به معنای خاص چالشی حقوقی برای ایران دانست. با این حال، با توجه به الزام کشورهای دیگر به گزارش‌دهی به این نهاد، برای آن کشورها چالشی حقوقی است. به این معنا که با توجه به تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران، بسیاری از شهروندان آمریکا و کشورهای دیگر و شرکت‌های بزرگ، بیشتر تحت تأثیر تحریم‌های ثانویه قرار دارند تا تحریم‌های اولیه، زیرا با سیاستی که آمریکا اتخاذ نموده است، به باور برخی، تجارت با ایران برای آنان همانند «شلیک به پای خود» محسوب می‌شود (see: Bootwala, 2020: 136) و باید میان این دو مورد، یکی را انتخاب کنند؛ این کار از نظر عملی با نظارت اوفاک امکان‌پذیر می‌شود. بدین سان، اگر تاجری قصد صادرات به یکی از کشورهای مورد تحریم را داشته باشد و کشور مورد نظر در فهرست تحریم‌های اوفاک قرار داشته باشد، باید این مطلب را مد نظر قرار دهد. البته، صرف اینکه کشوری در فهرست تحریم‌ها قرار دارد، به این معنا نیست که به‌هیچ‌عنوان صادرات به آن کشور ممکن نیست. بلکه فرد می‌تواند پیش از صادر کردن، درخواست صدور پروانه اوفاک کند. در غیر این صورت، عدم پیروی از مقررات اوفاک ممکن است تأثیر مهمی بر توانایی در انجام معاملات آینده

1- Office of Foreign Assets Control

داشته باشد و فرد/شرکت را در معرض مجازات شدید مالی و حتی زندان قرار دهد. قوانین انسداد، اصولاً برای حل این مشکل در سال ۲۰۱۸ اصلاح شدند و این نکته مد نظر بوده است که بتوانند جلوی تحقیقات اوفاک را در معاملات سه کشور اروپایی با ایران بگیرند. در این راستا، شرکت‌ها می‌توانند از اوفاک درخواست معافیت کنند، امری که بعید به نظر می‌رسد این نهاد زمانی که تجارت با ایران مطرح باشد، با آن موافقت کند. طرح دیگر، ایجاد نهادی شبیه اوفاک در اتحادیه اروپاست که در مبحث سوم، گفتار سوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. چالش‌های اقتصادی اینستکس

به باور برخی صاحب‌نظران، مباحث اقتصادی تجارت آزاد نقطه شروع هر بحثی در خصوص سیاست تجارت بین‌الملل است (Poor Moghim, 2003: 591). همچنین مطابق شاخص کوین ۱ پیشرفتگی کشورها بر مبنای شاخص گشودگی اقتصادی سنجیده می‌شود (See: Guzman & Skyes, 2007: 363)؛ بنابراین تجارت در زمان تحریم و با توسل به روشی نامعمول مانند تهاتر، مسلماً با چالش‌های احتمالی اقتصادی مواجه خواهد شد. این چالش‌ها که ممکن است در سطح نظری یا عملی وجود داشته باشند، در دو سطح خرد یا کلان قابل بررسی‌اند.

۱-۲. چالش‌های اقتصادی خرد

منظور از چالش‌های خرد در این گفتار، چالش‌ها از دیدگاه تاجران است. در این خصوص، می‌توان ادعا کرد به‌طور کلی اینستکس با روحیات تاجران ایرانی و حتی تاجران خارجی هماهنگی ندارد. هر چند اطلاعات دقیقی در مورد ساتما (شرکت ایرانی متناظر اینستکس) در دست نیست، اما به نظر می‌رسد، این نهاد برای خدماتی که ارائه می‌دهد، درصدی حق‌الزحمه دریافت می‌کند. حتی اگر این مبلغ معادل ۲ تا ۳ درصد باشد که بانک‌هایی که پرداخت‌ها را تسهیل می‌کنند به‌طور معمول دریافت می‌کنند، شاید پرداخت آن باب میل تاجر نباشد؛ به‌ویژه اینکه با توجه به حجم تجارت، ممکن است ۲ یا ۳ درصد مبلغ بسیار بالایی باشد.

یکی دیگر از چالش‌ها، اظهار ارزش کالا است. در بسیاری از موارد برای تاجر به صرفه است که ارزش کالاهایی را بیش از ارزش واقعی^۱ و یا کمتر از ارزش واقعی^۲ اعلام کند. به عنوان مثال، تاجر ایرانی باید ارزش را به میزان اظهار کرده به شبکه نیما بفروشد. پس به نفعش است ارزش کالا را کمتر اعلام کند. برعکس، ممکن است تاجری هزینه‌های انجام شده مانند بیمه و حمل و نقل را بیش از حد واقعی اعلام کند، تا بتواند از این رهگذر هزینه بیشتری را از طرف مقابل مطالبه کند. حتی ممکن است این اظهارنظرها با هماهنگی دو تاجر و به منظور اجتناب از پرداخت هزینه‌های واقعی به اینستکس صورت گیرد. همچنین ممکن است ظاهراً تاجر ایرانی اعلام کند که کالا صادراتی است، حال آنکه کالا صادراتی نباشد و وی صرفاً ارزش نیمی را که در ازای آن دریافت کرده نگاه دارد تا بعدها که ارزش نیمی گران تر شد، آن را بفروشد. این مشکل، ناشی از عدم ثبات قیمت ریال در مقابل ارزهایی مانند یورو و دلار است و می‌تواند به صورت‌های گوناگون دیگری نیز بروز پیدا کند؛ مانند اینکه تاجری پول را دریافت کند و قرار شود از آن برای صادرات استفاده کند و در این فاصله قیمت ارز تغییر نماید.

مشکل عملی سفر تجار خارجی به ایران را نیز نباید نادیده گرفت. به موجب برنامه معافیت از ویزا^۳ شهروندان کشورهای خاصی اجازه دارند به مدت حداکثر ۹۰ روز بدون نیاز به اخذ ویزا به ایالات متحده آمریکا سفر کنند. با این حال، در ۱ آوریل ۲۰۱۶ قانون ارتقای برنامه معافیت از ویزا و پیشگیری از سفر تروریست‌ها (مصوب ۲۰۱۵) مورد اصلاح قرار گرفت و به موجب آن، سفر شهروندان کشورهای دارای قرارداد معافیت از ویزا در صورت سفر به ایران و چند کشور دیگر با محدودیت مواجه شد.^۴ این امر، ممکن است تاجران اروپایی را که به طور معمول برای تجارت با ایران به این کشور مسافرت می‌کنند، دچار تردید کند؛ زیرا در این حالت، حتی احتمال رد

1- Over invoiced

2- Under invoiced

3- Visa Waiver Program

۴- این قانون، با فرمان اجرایی ترامپ مصوب ۶ مارچ ۲۰۱۷ مبنی بر حفاظت کشور از ورود تروریست‌های خارجی به خاک آمریکا تکمیل شد.

درخواست ویزای آمریکا نیز وجود دارد.^۱

چالش دیگر، واحد پرداخت پول است. اینستکس مبتنی بر تهاتر است. با این وجود، تجاری که ارزش کالا را معین می کنند، باید واحدی برای تعیین ارزش داشته باشند. گرچه هنوز معلوم یا دست کم علنی نیست که این مبادلات دقیقاً به چه طریق صورت خواهد گرفت، اما در ظاهر واحد پولی هم برای طرف ایران و هم برای طرف خارجی، یورو است. البته، پرداخت‌ها در بانک به عنوان سپرده، ذخیره و سرانجام، به تاجر ایرانی با تبدیل به نرخ نیمایی پرداخت می شود. با این اوصاف، با توجه به تورم و ثابت نبودن نرخ ارز در ایران، در عمل بسیاری از تجار ترجیح می دهند ثمن ناشی از فروش خود را به روز دریافت کنند یا در برخی موارد کالای خود را نگاه دارند تا قیمت‌ها افزایش یافته و سپس اقدام به فروش آن‌ها نمایند.

پرسش آن است که اگر اینستکس بخواهد مطالبات را به یورو تسویه کند، چگونه می تواند یورو را از ایران انتقال دهد؟ و اگر نرخ به روپیه یا سایر ارزهاست، تفاوت نرخ میان این ارزها و یورو چگونه تسویه می شود؟ اگر فروشنده ایرانی، نفت را فقط به خریداران چینی و هندی بفروشد، پرداخت به واحد پول چین و هند صورت می گیرد؛ اما ایرانی‌ها باید کالاها و خدمات بسیاری را وارد کنند که هند و چین قادر به ارائه بسیاری از آن‌ها نیستند. در نتیجه، روپیه‌ها و یوان‌های بیهوده در حساب‌های ایرانی انباشته خواهند شد.

باید یادآور شد که اینستکس به دنبال نوعی ادغام اقتصادی مانند آنچه در حد گسترده در اتحادیه اروپا وجود دارد، است (see: Marciano & Ramello, 2019: 651). در واقع، این نهاد، ایده خود را از اتحادیه پایاپای آسیایی^۲ وام گرفته که در آن هر کدام از کشورها با کشور دیگری مبادله می کرد؛ با این تفاوت که در اتحادیه پایاپای آسیایی، هشت کشور عضو بودند و طرف اتحادیه محسوب می شدند؛ در حالی که در اینستکس، ایران در یک طیف و کشورهای دیگر در طیف دیگر تجارت قرار دارند که به طور مسلم تعادل میان واردات و صادرات را برهم می زند.

۱- این امر از جمله برای خاویر سولانا، دبیر سابق ناتو و مسوول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ به دلیل سفر به ایران اتفاق افتاده است.

2- Asian Clearing Union

همچنین مطابق یک اصل اقتصادی، به نام ماندل^۱ برای موفقیت یک اتحادیه پولی باید کلیه کشورهای عضو از توزیع ریسک یکسانی برخوردار باشند؛ به گونه‌ای که احتمال تغییر سطح قیمت‌های نسبی میان آن‌ها ضعیف باشد (Bazargan, 2004: 347). حال آنکه میان ایران و شرکای تجاری‌اش، چنین توازنی وجود ندارد. ضمن اینکه معاملات پایاپای هند با ایران از طریق اتحادیه پایاپای آسیایی نیز از سال ۲۰۱۰ به دنبال اتهامات آمریکا متوقف شد و طرح این کشور برای سیستم معاملاتی پایاپای از طریق بانک و ارز رویه نیز در سال ۲۰۲۰ معلق گردید (Bootwala, op.cit.: 137). این تاریخچه، می‌تواند زنگ خطر برای دورنمای اینستکس نیز باشد.

افزون بر این‌ها، در سازوکار اینستکس هیچ‌گونه راه‌حلی برای حل اختلاف میان تجار پیش‌بینی نشده است. این امر، ممکن است با توجه به اینکه وظیفه اینستکس تنها ایجاد پلی میان صادرکننده و واردکننده است و مسائل دیگر میان تجار، به موجب توافق فی‌مابین حل خواهد شد، قابل توجه باشد. با این حال، شاید پیش‌بینی نهادی مانند داوری در بطن این سازوکار، نه تنها با نگاهی آینده‌نگرانه، جلوی بروز اختلافات را می‌گرفت، بلکه می‌توانست موجب سهولت کار تجار، استقبال بیشتر آن‌ها از این نهاد و حتی منبعی درآمدزا برای اینستکس باشد.

به نظر می‌رسد، وضعیت سازوکار اینستکس، تاجران را با نوعی عقلانیت محدود^۲ روبه‌رو ساخته است (see: Parisi, 2017: 71). به سخن دیگر، تاجران به دلیل اطلاعات ناکافی، محدودیت‌های شناختی ذهنی و محدودیت زمانی، قادر به تصمیم‌گیری درست در خصوص پیوستن به اینستکس نیستند. در این راستا، به خصوص نقش عدم شفافیت اطلاع‌رسانی حائز اهمیت است. از زمان اعلام وجود این سازوکار، هیچ راه ارتباطی برای شرکت‌ها یا تاجران ایرانی یا خارجی اعم از شماره تلفن، آدرس، پایگاه اینترنتی، فکس، ایمیل و... وجود نداشته است. اخبار مربوط به اینستکس، گاه ضدونقیض و محدود به اظهارات مقامات ایرانی یا خارجی در خصوص آن بوده‌اند. در چنین وضعیتی، بدیهی است که نمی‌توان از تاجران و شرکت‌ها انتظار داشت از طرحی استقبال کنند که گویی وجودی خارج از یک بیانیه مشترک ندارد.

1- Mundell

2- Bounded Rationality

۲-۲. چالش‌های اقتصادی کلان

به موازات چالش‌های اقتصادی خُرد، چالش‌های سطح کلان قرار دارند که به اصول حاکم بر اقتصاد ایران بازمی‌گردند. نخستین چالش، عدم توازن میان صادرات و واردات ایران است. با توجه به اینکه در فاز اولیه اینستکس، صادرات نفت پیش‌بینی نشده است، ایران باید اقلامی برای صادرات داشته باشد تا در ازای آن، کالاهای موردنیاز خود، حتی اگر محدود به دارو، ابزار پزشکی و مواد غذایی باشد، دریافت نماید. توضیح آنکه مطابق گزارش سایت OEC، ۷۱ درصد صادرات ایران، مربوط به نفت خام است^۱ و درصد کمی از صادرات، کالاهای دیگر مانند خشکبار، فرش و... هستند؛ بنابراین، با توجه به تقاضای فراوان برای ورود ابزار پزشکی و دارویی و تا حدودی کالاهای غذایی، این عدم توازن کاملاً مشهود است. وانگهی، بسیاری از اقلام ایرانی، به موجب فرمان‌های اجرایی مورد تحریم قرار گرفته‌اند. از جمله، بخش منسوجات ایران، که شامل فرش نیز می‌شود، در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰ و به موجب فرمان اجرایی ۱۳۹۰۲، تحریم شد.^۲

برای حل این چالش، دو راه‌حل قابل پیشنهاد است: راه‌حل نخست، قرار گرفتن صادرات نفت در اینستکس است. با توجه به ترس از اعمال تحریم آمریکا در صورت ورود نفت به اینستکس، بدیهی است که این امر مورد استقبال کشورهای اروپایی قرار نگرفته و بعید به نظر می‌رسد که اروپا چنین خطری را تقبل کند. راه‌حل دوم، اختصاص صادراتی^۳ برای اینستکس است. این امر خلاف مقررات بانکی جهانی است. در اخبار، از سوی فرانسه پیشنهاد داده شده در ازای تزریق ۱۵ میلیارد دلار اعتبار به اینستکس، تهران همچنان در برجام باقی بماند. با این حال، گذشت زمان، نشان داد که این پیشنهاد و راه‌حل کارآمد نیست.

چالش دیگر اینکه بسیاری از شرکت‌های بزرگ خصوصی ایران با حکومت یا نهادهای دولتی وابسته به سپاه پاسداران که موضوع تحریم اتحادیه اروپا و آمریکا قرار گرفته‌اند، مرتبط هستند؛ بنابراین در عمل، حتی در صورت عدم تحریم ساتما از سوی آمریکا، این شرکت‌ها در تجارت بین‌الملل با مشکل مواجه خواهند شد. شاید این امر در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی باشد که

1- <https://oec.world/en/profile/country/irn/>

۲- برای مشاهده متن کامل این فرمان، ر.ک: <https://home.treasury.gov/system/files/126/13902.pdf>

3- Credit Line

به موجب آن بخش دولتی به صورت عمومی و در اختیار دولت است. این امر، علاوه بر مشکلات کلان اقتصادی، مانعی عملی بر سر راه فعالیت در اینستکس خواهد بود.

چالش بعدی، احتمال اعمال فشار بر اقتصاد ایران با تحریم اینستکس و یا حتی تهدید به آن است که در صورت انتقال رونق این سازوکار و به خصوص منتقل کردن تمام دادوستدها به این کانال، می‌تواند خطرناک باشد. در حال حاضر، مبادلات کالاهای بشردوستانه بدون اینستکس نیز قابل راهبری است و ایران راهکارهایی برای انجام مبادلات دیگر، به‌ویژه با کشورهای همسایه دارد و انتقال همه این معاملات به اینستکس، ممکن است این مبادلات را به هم بریزد و در صورت انسداد این سازوکار، ایران نمی‌تواند به سرعت راهکار جایگزینی بیابد و صدمه سنگینی بر اقتصاد ایران وارد خواهد شد. مثالی در این مورد، مقایسه تحریم‌های تدریجی و ناگهانی علیه ایران است. توضیح آنکه، ایالات متحده با توجه به تجربه‌ای که از تحریم عراق به دست آورده بود، اقدام به اعمال تدریجی مقررات و قوانین تحریمی و محدودکننده بر اقتصاد ایران کرد و در مقابل، ایران نیز برای شناسایی گریزگاه‌های عملیاتی فرصت داشت. با این حال، بازگشت مجدد تحریم‌ها در آبان ۱۳۹۷ موجب شد تمام تحریم‌هایی که به صورت تدریجی اجرا شده بودند، به ناگاه و یکباره مجدداً اعمال شوند (Razavi & Zeyneddini, 2018:53). وضعیت ناگهانی نامساعد اقتصادی در پی این کارشکنی، نشان‌گر عدم فرصت ایران برای اندیشیدن راه چاره است. تحریم اینستکس در صورت انتقال گسترده دادوستدها، همانند مورد اخیر خواهد بود.

۳. طرح‌های جایگزین یا مشابه اینستکس

با توجه به گذشت زمان زیاد از پیشنهاد طرح اینستکس، اجرایی نشدن آن از یک سو و عدم پاسخگویی آن برای تمامی نیازهای تجارت بین‌المللی ایران از سوی دیگر، مروری بر راهکارهای احتمالی دیگر که بدون نقض قوانین بین‌المللی در دوران فعلی راهگشای تجارت برای ایران باشند، مفید به نظر می‌رسد. در ادامه، به‌طور خلاصه سه مورد از مهم‌ترین این راهکارها را در سه محور ارزهای دیجیتال، برنامه نفت در برابر غذا و ایجاد دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی در اتحادیه اروپا را معرفی و چالش‌های هر کدام را تبیین خواهیم کرد.

۳-۱. ارزهای دیجیتال

مفهوم پول در جهان امروز مفهوم دستخوش تحول شده و از برگه‌ای فیزیکی که توسط و تحت نظارت دولت‌ها تولید و عرضه می‌شود، به واحدی غیرفیزیکی، رمزنگاری شده و آزاد از کنترل دولت‌ها تغییر یافته است. این تغییر شاید از سوی اقتصادهای بزرگ جهان و کشورهای مورد تحریم مانند ایران، که همواره نسبت به حاکمیت ارز رسمی دلار انتقاد داشته‌اند و درصدد یافتن جایگزینی برای دلار بوده‌اند فرصت مناسبی باشد تا بتوانند مبادلات بین‌الملل خود را به‌طور مستقل از دلار آمریکا سازمان‌دهی کنند. ارزهای دیجیتال یا پول مجازی^۱ ارزهایی هستند که برخلاف ارزهای رایج که تنها با کدهای رمزنگاری شده در یک سیستم بسته که همان بلاک چین^۲ است، قابل شناسایی و مبادله می‌باشند (Naderi, 2018: 88). بیت کوین، شناخته‌شده‌ترین نوع ارز دیجیتال^۳، یک نوع پول مجازی است که طبق یک الگوریتم ریاضی در سال ۲۰۰۹ توسط یک متخصص نرم‌افزار در فضای مجازی تولید شد (Ghavam, 2018: 198). این ارز مجازی، مرکز‌زاد است؛ زیرا نه مقام اداره‌کننده مرکزی برای آن وجود دارد و نه نظارت مرکزی. پیشوند "crypto" نیز به ادغام قواعد رمزنگاری در آن اشاره دارد (Nian et al., 2015: 310).

از ویژگی‌های بیت کوین، می‌توان به فراسرزمینی و فرادولتی بودن آن اشاره کرد؛ به گونه‌ای که دولت‌ها نمی‌توانند بر آنچه بلاک چین^۴ که مبنای بیت کوین است با توجه به پروتکلی بودن آن تسلط و دسترسی داشته باشند یا آن را در جهت اهداف خود تغییر دهند (Jafari, 2017: 57). سیاست قانون‌گذاری منسجمی در حال حاضر، در سطح جهانی پیرامون ارزهای دیجیتال وجود ندارد و در ایران نیز قانونی در این مورد تصویب نشده است. گرچه بانک مرکزی در سال ۱۳۹۶ به کارگیری ارزهای مجازی را در تمام مراکز پولی و مالی کشور ممنوع اعلام کرد، اما این امر به معنای ممنوعیت کامل این ارزها نیست، بلکه خرید و فروش آن‌ها در بانک‌ها، مؤسسات مالی و صرافی‌ها ممنوع شده است. البته استخراج آن فاقد منع قانونی است، هرچند دریافت مجوز از

1- Virtual Currency or Digital Currency

2- Block Chain

۳- از انواع دیگر ارز دیجیتال می‌توان به اتریوم، لایت کوین، زی کش، دش، ریل، مونرو، نئو، کاردانو و... اشاره کرد.

4- Block chain

وزارت صنعت، معدن و تجارت الزامی است.^۱ دستورالعمل صدور جواز و تأسیس و پروانه بهره‌برداری برای استخراج رمز ارز توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه شده، ولی هنوز منتشر نشده است و معاونت فناوری‌های نوین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز الزامات و ضوابطی فعالیت در حوزه رمز ارزها در کشور را منتشر کرده است. این دو نهاد، تنها مراکزی هستند که در حوزه قانون‌گذاری ارزهای دیجیتال وارد شده‌اند؛ بنابراین در واقع هیچ قانونی در این حوزه در ایران به تصویب نرسیده است.

عدم قانون‌گذاری در این حوزه، با وجود چالش‌های همراه آن، این ارز را تبدیل به چاره‌ای قابل قبول و قانونی برای مقابله با تحریم‌های کرده است. البته، این ارزها خطرهایی را برای استفاده‌کنندگان، بازار، سرمایه‌گذاران و مهیاکنندگان این خدمات ایجاد می‌کنند. استفاده‌کنندگان همواره با خطر امکان کاهش ارزش این ارزها و یا حتی سقوط ارزش آن‌ها با توجه به امکان قانون‌گذاری‌های محدودکننده مواجه هستند. عدم امکان بازبایی در صورت از دست دادن رمز نیز از مخاطرات مهم این ارزهای برای استفاده‌کنندگان است. از لحاظ بازار، خطرات قانونی مانند استفاده از ارزهای دیجیتال به منظور پول‌شویی یا تأمین مالی تروریسم وجود دارند. برای سرمایه‌گذاران نیز مسأله فرار بودن ارز دیجیتال و امکان قانون‌گذاری برای ممنوع‌سازی مبادله محصولات بر مبنای ارز دیجیتال، خطرهای بالقوه هستند. مهیاکنندگان این خدمات نیز از یک سو با خطر امکان قانون‌گذاری‌های ممنوع‌کننده یا محدودکننده و از سوی دیگر با خطر شکل‌گیری رقبای جدید در این حوزه روبرو هستند (Vandezande, 2017:1).

استفاده از ارزهای دیجیتال به عنوان راهی برای مقابله با تحریم‌ها نیز چالش‌برانگیز است. یکی از امتیازهای مثبت که در مورد این ارزها مطرح می‌شود، آن است که گرچه واشنگتن همچنان می‌تواند بر شرکت‌های بزرگ نظارت کند، شرکت‌های متوسط و کوچک می‌توانند از بیت‌کوین و سایر ارزهای کدگذاری شده برای انجام تجارت خارج از نظارت آمریکا استفاده کنند. با این حال، چندی پیش خبر تحریم شدن دو ایرانی که در زمینه ارزهای دیجیتال فعالیت می‌کردند،

1- <https://arzdigital.com/regulation/IR/>

معادلات را در مورد غیرقابل شناسایی بودن معاملات با این ارزشها زیر سؤال برد.^۱ گرچه یکی از این افراد مدتی بعد اظهار داشت که فعالیت خود در این حوزه را از سر گرفته و دلیل تحریم وی، بی‌دقتی خودش بوده است، این تحریم نشان‌گر آن است که نمی‌توان ارزشهای دیجیتال را راه‌حلی قطعی و غیرقابل شناسایی حتی در مورد معاملات خرد غیردولتی دانست.

این امر، در کنار چالش‌های عام وارد بر این ارزشها، عدم قانون‌گذاری در این حوزه و اینکه بسیاری از کشورها اساساً این ارزشها را به‌عنوان واحد رسمی معاملات نمی‌شناسند، تقریباً امکان به‌کارگیری این ارزشها در زمینه تحریم‌ها را جز در موارد نادر که حجم معاملات بسیار اندک است، غیرممکن می‌کند.

۳-۲. برنامه نفت در برابر غذا

راهکاری که اخیراً با توجه به فشارهای اقتصادی وارد بر ایران مطرح شد، احیای چیزی نظیر برنامه نفت در برابر غذا^۲ بود که در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان ملل مطابق قطع‌نامه شماره ۹۸۶ شورای امنیت در مورد عراق اتخاذ شد تا امکان فروش نفت عراق به سراسر جهان را در مقابل مبادله کالاهایی مانند غذا، دارو و سایر اقلام بشردوستانه بدهد. توضیح آنکه در آن دوران، صدام حسین جنگ خلیج‌فارس را آغاز کرد و با پایان جنگ ایران و عراق، کویت را مورد حمله قرار داد. در پی حمله آمریکا به عراق و سپس قطع‌نامه شماره ۹۸۶ سازمان ملل، تحریم‌های سختی علیه عراق توسط سازمان ملل وضع شدند که از صادرات نفت توسط این کشور جلوگیری می‌کردند. اعمال این تحریم‌های سخت، مورد انتقاد دوستانه حقوق بشر قرار گرفت، زیرا منجر به فشار بر مردم غیرنظامی این کشور می‌شد؛ بنابراین، برنامه نفت در برابر غذا توسط دولت بیل کلینتون به‌عنوان راه‌حلی در پاسخ به انتقادهای ارائه شد و سرانجام، در سال ۲۰۰۳ با سقوط دولت صدام و رفع تحریم‌ها، متوقف گردید (Woretz, 2013: 134).

۱- این دو نفر ایرانی با نام‌های محمد قربانیان و علی خورشادی‌زاده در هفتم آذر ۱۳۹۷ در فهرست سیاه دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفتند. برای مطالعه متن خبر، ر.ک:

<https://www.eghtesadeiranonline.com/vdciuuappt1a5z2.cbct.html>
2- Oil-for-Food-Program

گذشته از نقدهایی که بر این طرح وارد شده است، از جمله فساد اقتصادی شدید در مورد قراردادهای غیرقانونی فروش نفت، از زمان مطرح شدن اینستکس، برخی تحلیل‌گران آن را با این برنامه مقایسه کرده‌اند. برخی این دو را مشابه هم و بعضی دیگر ارزش اینستکس را حتی کمتر از برنامه نفت در مقابل غذا دانسته‌اند. دلیل دسته‌انگیزی، آن است که برنامه نفت در برابر غذا، تبادل نفت را در برمی‌گرفت، حال آنکه در اینستکس، تبادل نفت پیش‌بینی نشده است. با این حال، به غیر از عدم پیش‌بینی تبادل نفت، اختلاف‌های دیگری نیز میان این دو برنامه وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- اینستکس به منظور اجتناب از گردش پول در شبکه مالی جهانی ایجاد شده و مبتنی بر تهاتر است، اما برنامه نفت در برابر غذا مبتنی بر فروش نفت در برابر کالاهای بشردوستانه است؛
- در زمان ایجاد برنامه نفت در برابر غذا، تحریم‌ها هنوز هوشمند نبودند و عمدتاً اقتصادی بودند تا مالی؛ بنابراین، اجتناب از تحریم‌ها ساده‌تر بود؛

- مشکل ایران در حال حاضر، تحریم‌های سازمان ملل یا یک نهاد بین‌المللی نیست، بلکه مشکل تحریم‌های آمریکا، به‌عنوان یک کشور و به‌ویژه تحریم‌های ثانویه آمریکا است که بسیاری از کشورها را از تجارت با ایران بازمی‌دارد؛ بنابراین، وضعیت فعلی ایران بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر است؛

- نهاد اینستکس به منظور اجرای تعهداتی که به موجب برجام مقرر گردیده است، توسط طرفین اروپایی پیشنهاد شده است. این کشورها اصولاً حامی آن هستند و در مقابل آمریکا، گرچه صراحتاً موضع خود را اعلام نکرده، مخالف آن است. در مقابل، آمریکا پیشنهاد دهنده و اجراکننده برنامه نفت در برابر غذا بود و در آن زمان، این برنامه با مخالفتی روبرو نشد.

در برخی از اخبار آمده که توافقی میان ایران و عراق حاصل شده است تا در برابر صدور برق و گاز، ایران قادر به وارد کردن مواد غذایی باشد. مطابق این اخبار، حسابی در عراق افتتاح می‌شود که در آن، بغداد پول گاز وارداتی از ایران را با سپردن در این حساب به دینار عراق پرداخت خواهد کرد و ایران نمی‌تواند این پول را برداشت کند، اما قادر خواهد بود از این پول برای خرید

کالا در خارج از عراق استفاده کند.^۱ این برنامه بسیار شبیه برنامه نفت در برابر غذا است. ولی نقد مهمی که بر آن وارد است، در نظر گرفتن دینار عراق، به عنوان ارز مبادله‌ای است که با توجه به عدم ثبات و قدرت این ارز و امکان سقوط ارزش آن، به ضرر ایران است. از سوی دیگر، با توجه به تحریم سویفت، در نظر گرفتن ارز مبادلاتی قدرتمند و با ثبات برای مبادلات نیز دشوار خواهد بود. همچنین، باید توجه داشت که برنامه نفت در برابر غذا، برنامه‌ای موقتی بود که در برهه زمانی خاص با توجه به اوضاع و احوال پیش‌بینی شد و با توجه به انتقادهای وارد بر آن و ادعای فسادهای کلان صورت گرفته در این خصوص، نمی‌توان آن را برنامه‌ای جامع برای مقابله با تحریم‌ها دانست.

۳-۳. ایجاد دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی در اتحادیه اروپا

تفاوت این طرح با دو راهکار پیشین آن است که این طرح، برخلاف آن دو، در عمل آزموده نشده و در واقع، پیش از اینستکس مطرح شد و برنامه آن، طرح‌ریزی جدیدی برای نظام بانکی به منظور حمایت از پیوند اقتصادی میان ایران و اروپا بود و هدفش، نه فرار از تحریم‌های آمریکا، بلکه اطمینان از این بود که شرکت‌هایی که می‌توانند مطابق تحریم‌های ثانویه آمریکا عمل کنند، به خدمات بانکی لازم دسترسی داشته باشند. این طرح شامل دو عنصر اساسی است: ۱. باید حول محور بانک‌های مدخل و مؤسسات مالی که بتوانند به عنوان واسط میان بانک‌های اصلی ایرانی و بانک‌های تجاری اروپایی عمل کنند، پایه‌ریزی شود؛ ۲. باید توسط نهاد دفتر کنترل دارایی‌های اتحادیه اروپا (EU-OFAC)، نهاد تنظیمی که بر اساس مدل دفتر کنترل دارایی‌های ایالات متحده آمریکا طراحی شده، ولی با فلسفه کارکرد به نفع تجارت و نه محدودیت آن، عمل می‌کند، نظارت شود (Batmanghelidj & Hellmen, 2018:1). این نهاد اقداماتی را در دو حوزه انجام خواهد داد:

نخست، **مطابقت**؛^۲ این نهاد استانداردها و ابزار معمول مطابقت و مکانیزم‌های صدور گواهی در

مشکل -عراق- برای-پرداخت-پول-واردات-گاز-و-برق-ایران-حل-شد/ <https://isna.ir/news/98041105644> -1

۲- واژه Compliance در بانکداری شفاف کاربرد بسیاری دارد و هنوز ترجمه مصطلحی از آن ارائه نشده است. در بسیاری از موارد با همان واژه انگلیسی‌اش که مفهوم را بخوبی می‌رساند به کار برده می‌شوند.

خصوص راستی‌آزمایی^۱ را گسترش می‌دهد تا تجارت‌ها و بانک‌های اروپایی را در مورد مطابقت داشتن فعالیت‌هایشان مطمئن‌تر کند و در نتیجه در مورد رهنمودهای تفسیری صادر شده توسط ایالات متحده نگرانی کمتری داشته باشند. همچنین، با ترسیم مدلی موفق در آلمان، این نهاد از همکاری برای افزایش اعتماد و کاهش هزینه‌های راستی‌آزمایی میان بانک‌های مدخل استقبال می‌کند. افزون بر این، شرکت‌های اروپایی که به دنبال معافیت از سوی مقامات آمریکایی هستند، کمک کرده و مانند واسطه‌ای میان شرکت‌های اروپایی و مقامات آمریکایی عمل می‌نمایند (Ibid).

دوم، حمایت حقوقی؛ این نهاد حمایت حقوقی اتحادیه اروپا را برای شرکت‌هایی که در ایران مبادله و سرمایه‌گذاری دارند، با گسترش رهنمودهای مربوط برای تقویت قوانین مسدودسازی، ایجاد پیوند با قوانینی که از مناطق پرداختی واحد اروپایی حمایت می‌کنند و عدم تبعیض در ارائه خدمات بانکی، تقویت می‌کند (Ibid: 1-2). این برنامه از این نظر که طراحی جدید قانون‌گذاری پیشنهاد می‌دهد و افقی بلندمدت در نظر می‌گیرد، مفید است. به خصوص از این نظر که ایران از نظر فضای مبادلات بانکی در حال حاضر با چالش‌های بسیاری مواجه است و بسیاری از روابط بانکی خود را از دست داده است (Ibid: 7). برای عادی‌سازی مجدد روابط بانکی ایران با کشورهای دیگر، یکی از راه‌حل‌ها کاربست حواله^۲ به‌عنوان جایگزینی برای بانک‌ها است. حواله با انتقال پول، بدون جابجایی واقعی آن کار می‌کند و در آن، فرستنده، پول را به حواله‌دار انتقال می‌دهد و وی سپس به حواله‌دار مرتبط، که معمولاً نزدیک دریافت‌کننده نهایی است، دستور پرداخت می‌دهد. این‌گونه معاملات که به‌طور معمول مبتنی بر اعتماد هستند، شامل وسیله تعهد یا هیچ مدرک کتبی شناسایی‌کننده معامله خاصی نمی‌شوند. در عین حال، شاید برای معاملات نسبتاً کوچک کارساز باشند، ولی برای معاملات بزرگ غیرعملی‌اند (Kittrie, 2016: 149-150).

در مقابل، راه‌حل این طرح، آن است که میان بانک‌های خصوصی ایران و بانک‌های مدخل، حوزه‌ای برای مطابقت در نظر گرفته می‌شود و میان بانک‌های مدخل و بانک‌های اروپایی نیز

۱- در خصوص واژه Due Diligence هنوز ترجمه مصطلحی باب نشده است.

حوزه‌ای برای اقدامات حمایت‌های قانونی طراحی می‌شود. بر هر دو حوزه، دفتر کنترل سرمایه‌های خارجی اتحادیه اروپا نظارت خواهد کرد. این دفتر همچنین بر تبادلات پولی بین بانک مرکزی ایران و بانک‌های مرکزی اروپایی نظارت خواهد داشت. یکی از الزامات این برنامه، اصلاح نظام بانکی ایران نیز است که خود در حال حاضر با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. از الزامات دیگر این برنامه، تصویب برخی کنوانسیون‌های مد نظر فنف مانند کنوانسیون پالمو و مبارزه با تأمین مالی تروریسم است که این مورد نیز در ایران با چالش‌های فراوانی همراه بوده و هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است.

پرسش قابل توجه آن است که ایجاد نسخه اروپایی اوفاک، تا چه میزان انتظارات طرف آمریکایی را برآورده خواهد کرد؟ آیا نظارت اعمالی از سوی این نهاد، اوفاک را از نظارت و الزام به گزارش‌دهی منصرف خواهد نمود؟ در طرح پیش‌بینی شده است که نسخه اروپایی اوفاک، به‌عنوان واسطه‌ای میان اوفاک آمریکایی و شرکت‌های اروپایی عمل خواهد کرد و اوفاک به جای تعقیب مستقیم شرکت‌ها، نگرانی‌های خود در مورد مطابقت را به نسخه اروپایی اوفاک منتقل خواهد کرد (Batmanghelidj & Hellmen, op.cit.: 11).

با توجه به لزوم ایجاد شفافیت مالی برای ایجاد چنین طرح جامعی، نخستین گام برای ایران، ایجاد شفافیت مالی با پیوستن به کنوانسیون‌های پالمو و مقابله با تأمین مالی تروریسم است؛ بنابراین از نظر حقوقی، این طرح نیز برای ایران با همان چالش‌های اینستکس روبه‌رو است و شاید چالش‌ها در این مورد بیشتر مطرح شوند؛ زیرا با اینکه در مورد اینستکس گفته شد که این طرح امکان راه‌اندازی بودن پیوستن به این کنوانسیون‌ها و تصویب قوانین مرتبط با آن را نیز دارد، در مورد طرح مذکور، بدون شفافیت مالی، امکان اجرا به‌هیچ‌عنوان وجود نخواهد داشت. همچنین، حتی در صورت ایجاد شفافیت مالی مد نظر فنف در ایران، به نظر می‌رسد که اوفاک به‌سادگی از صلاحیت خود به نفع صلاحیت نسخه اروپایی اوفاک صرف نظر نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

طرح اینستکس نتوانست آن‌گونه که سه کشور اروپایی ادعا کرده بودند، راهکاری مناسب برای اجرای تعهدات برجامی باشد. علت عدم موفقیت آن را، نه تنها در چالش‌های حقوقی یا

اقتصادی، بلکه بیشتر باید در چالش‌های سیاسی جُست. دولت آمریکا در حال حاضر موضعی علیه ایران اتخاذ کرده که به استراتژی ما یا آن‌ها^۱ معروف است. این استراتژی یک تاکتیک در مدرسه است که در آن یک فرد زورگویی محبوب برای منزوی کردن بچه‌ای که محبوبیت کمتری دارد، اعلام می‌کند که تمام بچه‌های دیگر یا باید با او دوست باشند یا با فرد ضعیف. چین نیز پیشتر از این روش به شیوه‌ای دیپلماتیک برای منزوی کردن تایوان استفاده می‌کند.^۲ در این زمینه، آمریکا از اعمال هیچ‌گونه تحریمی فروگذاری نکرده است.^۳ در خصوص اینستکس نیز، چالش مهم، احتمال اعمال تحریم‌های ثانویه علیه این نهاد است. گرچه در این خصوص، آمریکا موضع مشخصی اتخاذ نکرده است، در صورت ورود نفت به این کانال، احتمال تحریم آن وجود خواهد داشت. احتمال تحریم ساتما نیز بعید نیست. با اینکه ساتما به‌عنوان شرکتی خصوصی به ثبت رسیده است، بیشتر اعضایش بانک‌هایی هستند که همگی پیشتر مورد تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار گرفته‌اند و خود به‌نوعی، زیرمجموعه بانک مرکزی ایران است که در سابق دو بار مورد تحریم قرار گرفته بود و در تاریخ بیستم سپتامبر ۲۰۱۹ برای بار سوم، به‌موجب بیانیه‌ای که وزارت خزانه‌داری آمریکا منتشر نمود، مورد تحریم قرار گرفت.

همچنین باید این نکته را در نظر داشت که از یک سو، موفقیت اینستکس مشروط به مقبولیت هرچه بیشتر آن و ورود شرکت‌های فراوان از سراسر جهان به آن است، زیرا در صورتی که ایران تنها با چند کشور محدود مرادده تجاری داشته باشد، امکان مبادله تمامی کالاهای موردنیاز ایران از طریق این کشورها وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر، هرچقدر این نهاد مقبولیت پیدا کند، بیشتر نظر آمریکا را برای اعمال تحریم جلب خواهد کرد. سیاست آمریکا، اعمال فشار حداکثری است و هر نهادی که از نظر اقتصادی به ایران برای مبادلات تجاری و دور زدن تحریم‌ها کمک کند، در معرض تحریم است.

1- Us or Them

2- <https://www.bullionstar.com/blogs/jp-koning/europes-instex-payments-channel-wont-help-iran/>

۳- به‌عنوان یک نمونه کوچک، در یک طرح گریز از تحریم‌های آمریکا، ایران با ترکیه توافقی مبنی بر خرید طلا از این کشور در برابر صادرات گاز بست. آمریکا، پس از اطلاع از این توافق با تصویب قانون آزادی ایران و مقابله با تکثیرگرایی در سال ۲۰۱۲، این راه‌گریز را برای ایران مسدود ساخت. (see: Kittrie, Orde F., op.cit.: P.150)

نباید انکار کرد که یکی از دلایل تحریم‌های شدید ایالات متحده علیه ایران، انحصارطلبی در حوزه صادرات نفت و گاز است. بسیاری از تحریم‌های این کشور علیه روسیه است و محدود کردن دسترسی این کشور به واحد پولی دلار آمریکا نیز با همین هدف صورت می‌گیرد و حتی طرح انتقال گاز آذربایجان به اروپا نیز با هدف محدودتر کردن صادرات انرژی از سوی ایران و روسیه مورد استقبال آمریکا قرار گرفت. آگاهی از این هدف نهایی آمریکا، گرچه تأثیر مستقیمی در وضعیت تحریم‌ها ندارد، می‌تواند به اتخاذ تصمیم‌های کلان‌هوشمندانه‌تر از سوی ایران کمک کند.

به نظر می‌رسد ایران که منافع خود را با طرحی مانند اینستکس، برآورده شده نمی‌دید، تصمیم به خروج تدریجی از برجام گرفت و طرفین اروپایی نیز که در عمل قادر نبودند تضمینی به شرکت‌های خصوصی خود که بخش اعظم اقتصاد این کشورها را تشکیل می‌دهند، در مقابل تحریم‌های ثانویه آمریکا بدهند، در نهایت، بدون ایفای تعهدات خود، خروج ایران را پذیرفتند. با چرخش قدرت سیاسی در ایالات متحده آمریکا، شاید دورنمای رفع تحریم‌ها و امکان راهبری مبادلات در سطح بین‌المللی برای ایران هموارتر شده باشد. با این حال، نباید فراموش کرد که فارغ از قدرت حاکم، ایالات متحده در وهله نخست به فکر منابع ملی خود است و در صورت لزوم حتی امکان اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران نیز منتفی نیست، به طوری که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ و در دوران نخست ریاست جمهوری باراک اوباما، سخت‌ترین تحریم‌ها بر ایران اعمال شدند تا ضمن اعمال فشار، راه برای مذاکرات دیپلماتیک باز شود. همچنین، تمامی این تحریم‌ها به سادگی قابل رفع نیستند. به طور نمونه، اوافق برای نخستین بار در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۰ تحریم چندین نهاد را به دلیل تجارت نفت با ایران تحت شناسه تروریستی^۱ تحریم کرد. این نوع تحریم به سادگی قابل رفع نیست و امکان به کارگیری مجدد از این شناسه وجود دارد.

بدین سان، در جهان امروز که از آن به دهکده جهانی یاد می‌شود، نمی‌توان صحبت از مبادلات پایاپای بدون استفاده از سیستم پیام‌رسانی سوئیفت و به کارگیری واحد پولی قدرتمند نمود؛ بنابراین، بدیهی است که نمی‌توان از طرحی مانند اینستکس انتظار زیادی داشت. اینستکس در

1- SDGT: Specially Designated Global Terrorist

بهترین حالت همان گونه که معرفی شده یک سازوکار موقتی و موردی تا زمان رفع تحریم‌هاست.

References

- [1] Abbasi, Asghar. (2007). Introduction of FATF. *Research Journal of Law and Political Sciences*. 5(2). 147-172 (In Persian)
- [2] Abbasi, Asghar, (2019). FATF. Encyclopedia of Economic Criminal Sciences. 2nd Ed. Mizan Publication. Tehran. (In Persian)
- [3] Batmanghelidj, Esfandyar & Hellmen, Axel. (2018). Europe, Iran and Economic Sovereignty: A New Banking Architecture in Response to US Sanctions, "European Leadership Network", June
- [4] Bazargan, Farhad. (2004). Strategic Role of the ACU in Regional Economic. *Rahbord Journal*. 31(1). 343-356 (In Persian)
- [5] Bignon, Vincent. (2009). Cigarette Money and Black-Market Prices during the 1948 German Miracle. *EconomicX*, University of Paris Nanterre. 2. 1-39
- [6] Bootwala, Mazahir. (2020). The Iran Problem: An Evaluation of US Sanctions on Iran and Global Reactions. *Georgetown Journal of International Affairs*. 21. 136-141
- [7] Chatain, Pierre Laurent. McDowell, John. Mousset, Cedric. Schott, Paul Allan. Van der Does, Emile. (2013). Preventing Money Laundering and Terrorist Financing. Translated by Maryam Keshtkar. 1st Ed. Tash Publication. Tehran. (In Persian)
- [8] El-Camal, Mahmoud. (2006). Islamic Finance. 2nd Ed. UK: Cambridge: Cambridge University
- [9] Fashandi, Noban & Ghaderi, Hossein. (2017). Study of the Legal Basis of Imposing Intelligent Sanctions against Iran and the Influences of JCPOA on them. *Ghanoonyar Journal*. 2(2). 135-172 (In Persian)
- [10] Ghavam. Mohammad Hossein. (2018). Bitcoin, the end of Sanctions. *Rushd Journal*. 1. 198-201 (In Persian)
- [11] Guzman, Andrew T. & Sykes, Alan O. (2007). *Research Handbook in International Economic Law*. UK: Northampton. Edward Elgar Publishing Limited
- [12] Herdegen, Matthias. (2018). Principles of International Economic Law. Translated by Mohammad Ziai Bigdeli & Saegh Ziai Bigdeli. 1st Ed. Ganj Danesh Publication. Tehran (In Persian)
- [13] Jafari, Amin. (2017). The Legal Consequences of admitting Bitcoin. *Capital and Market Journal*. (93) 9. 57-57 (In Persian)
- [14] Kittrie, Orde. F. (2016). Lawfare: Law as a Weapon of War. UK: Oxford. Oxford University
- [15] Koul, Autar Krishen. (2018). Guide to the WTO and GATT. 6th Ed. India: New Delhi. Springer
- [16] Lincy, Valerie & Mostatabi, Mana. (2018). The FATF Keeps Iran on Blacklist While Ignoring Proliferation Financing Threat. "Wisconsin Project on Nuclear

- Arms Control”
- [17] Marciano, Alain. Ramello, Givanni Battista. (2019). Encyclopedia of Law and Economics. U.S.A: New York: Springer
- [18] Marossi, Ali Z. Bassett, Marisa R. (2015). Economic Sanctions under International Law. 1st Ed. The Netherlands: Hague. Springer
- [19] Mohammad zadeh, Tohid. (2021). International Law and Anti-Iranian Sanctions of the USA. *Strategic Studies Quarterly*. 79 (3). 95-120 (In Persian)
- [20] Naderi, Ebrahim, (2018). Analysis of Market and Capital from Modulation of Electronic Currencies: Are they an end to dominance of Dollar?. *Capital and Market Journal*. 96(1). 88-90 (In Persian)
- [21] Nikbakht. Hamidreza. (2003). Legal System of the WTO. *Legal Research Quarterly*. 1382(3). 67-132 (In Persian)
- [22] Nian, Lam Pak. Kuo Chuen, David Lee. (2015). A Light Touch of Regulation for Virtual Currencies. Academic Press
- [23] Parisi, Francesco. (2017). The Oxford Handbook of Law and Economics. Vol. 1. 1st Ed. UK: Oxford: Oxford University
- [24] Political- Legal Research Deputy. (2018). Analysis of plausibility of adducing to Blocking Statute by EU and other countries to combat USA sanctions. Serial Number: 15929 (In Persian)
- [25] Poor Moghim, Seyed Javad. (2003). International Economy (1). 1st Ed. Samt Publication. (In Persian)
- [26] Razavi, Seyed Mohammad Hasan & Zeyneddini, Fatemeh. (2018). The Impact of Reinstatement of US Secondary Sanctions on Iran’s Oil and Gas Sector: Opportunities and Challenges. *Journal of Energy Law Studies*. (1,2) 7. 37-60. (In Persian)
- [27] Ryngaert, Cedric. (2015). Jurisdiction in International Law. UK: Oxford. Oxford University Press. 2nd Ed.
- [28] Schmitthoff, Clive M. (2015). International Commercial Law. 2 Vols. Translated by Behrooz Akhlaghi. 5th Ed, Samt Publication, Tehran. (In Persian)
- [29] Vandezande, Niels. (2017). Virtual Currencies under EU Anti-Money Laundering Law. *Computer Law & Security Review: The International Journal of Technology Law and Practice*. Doi:10.1016/j.clsrt.2017.03.011
- [30] Woretz, Eckart. (2013). Oil for Food. 1st. Ed. UK: Oxford. Oxford University
- [31] US sanctions on Iran, trade war with China and trade peace with Mexico. *Oil and Energy Trends*. 2018; 43:7-7. <https://doi.org/10.1111/oet.12615>
- [32] Zare Ghajari, Ferdos & Ghaem Maghami, Ali. (2013). Combatting Money Laundering and Financing of terrorism Standards. 1st Ed. Tash Publication. (In Persian)
- [33] Zare, Sasan & Esma’ili etoyi, Salman. (2014). Modelling International Risk in Banking of the Islamic Republic of Iran Considering Characteristics of National Safety and Sanctions. *Journal of Security Horizons*. (4) 25. 213-245. (In Persian)
- [34] <https://arzdigital.com/regulation/IR/>

- [35] <https://www.bullionstar.com/blogs/jp-koning/europes-instex-payments-channel-wont-help-iran/>
- [36] <https://www.eghtesadeiranonline.com/vdciuuappt1a5z2.cbct.html>
- [37] <https://www.diplomatie.gouv.fr/en/country-files/iran/events/article/joint-statement-on-the-creation-of-instex-the-special-purpose-vehicle-aimed-at>
- [38] <http://www.fatfgafi.org/publications/financingofproliferation/documents/consultation-recommendation-1.html>
- [39] <https://isna.ir/news/98041105644/> - مشکل عراق - برای پرداخت پول - واردات - گاز - و برق - ایران - حل - شد
- [40] <https://oec.world/en/profile/country/irn/>
- [41] <https://home.treasury.gov/system/files/126/13902.pdf>